

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

جلوه‌های ادب پایداری در شعر نسیم شمال

با تکیه بر دیوان «باغ بهشت»

(علمی-پژوهشی)

مسعود باوان پوری^۱
طیبه فدوی^۲
نرگس لرستانی^۳

چکیده

ادبیات پایداری انعکاس‌دهنده پایمردی و دلاورمردی‌های یک ملت یا قوم در برابر هرگونه تجاوز و ظلم و ستم است. با نگاهی به ادبیات کشورهای درگیر جنگ - داخلی یا خارجی - در می‌یابیم که این نوع ادبی نزد آن‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نسیم شمال، شاعر دوره مشروطه، با شعر خویش به دفاع از ملت خود در برابر بیگانگان و ظلم و ستم داخلی پرداخته است. وی علاقه فراوانی به وطن خویش داشته و گاه آن را یوسف اسیر در چنگال گرگ و گاهی مادری دانسته که پیکرش عریان شده و ثروت آن به تاراج رفته است. شاعر، امید فراوانی به آینده روشن و بهبود اوضاع کشور داشته و مردم را به پیروزی نهایی حق بر باطل امیدوار ساخته و در این راه از نمادهای دینی مانند پیامبر (ص) و حضرت مهدی (عج) یاری طلبیده است. نسیم شمال، اعتراض خود را به اوضاع نابسامان کشور اعلان داشته و بارها از وجود انگلیس و روسیه در کشور خویش ناراحت بوده و با نمادهایی مانند زاغ و خرس از آنها یاد کرده و سعی در آشکار ساختن چهره آنها برای مردم داشته است. وی همچنین سعی در بیدار ساختن مردم از خواب غفلت و تحریک آنها به مبارزه داشته است. پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از دیوان «باغ بهشت» نسیم شمال، به تبیین جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر وی پرداخته و هنر این شاعر پایداری را برای خوانندگان نمایان سازد.

واژه‌های کلیدی

ادبیات پایداری، دوره مشروطه، نسیم شمال، باغ بهشت

۱ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه کردستان

۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول) t.fadavi@uok.ac.ir

۳ - دانشجوی دکترای رشته زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲-۱۲-۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵-۰۳-۱۷

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

ادبیات به حکم ارتباط با زندگی، دربردارنده آلام و آمال انسان و نمایانگر نگرانی‌ها و آینه باطن آنهاست؛ پس ادیبی که می‌خواهد دارای اثری ارزنده، مؤثر و جذاب باشد باید به امور واقعی مردم بپردازد و افکار آنها را منعکس نماید و راه آزادی و امنیت زندگی آنها را هموار نماید و بدین خاطر نیاز است شعر وی دارای عنصر تعهد باشد؛ یعنی این که «کاتب، هنرش را در خدمت اندیشه و تفکر انسانی قرار دهد و تنها به فکر زیبایی نباشد.» (وهبه، ۱۹۷۴: ۷۹). ادیب تا زمانی که با حوادث عصر خود همزیستی نداشته باشد نمی‌تواند به این احساس برسد؛ پس لازم است که در سرزمین و فرهنگ مردم خود دقیق شود تا بتواند در دیدگاه انسانی فراگیری به نوآوری بپردازد. «ادیب نمی‌تواند به دور از مسائل ملتش زندگی کند؛ بلکه واجب است با دیدگاه عمیق شعری خود در پی ایجاد تغییر و تحول مناسب در آن باشد.» (اسماعیل، ۱۹۶۳: ۳۷۴).

ادبیات پایداری، ادبیات بیداری است که ملت‌ها را از بحران‌های ملی، جنگ‌ها، ستم‌ها و بیگاری‌ها آگاه می‌کند؛ ادبیاتی است که نقاب از چهره دشمن برداشته و جایگاه‌های نهفته و خطرهای پنهان او را آشکار می‌سازد. در دوره مشروطه به واسطه حضور بیگانگان و اوضاع نابسامان کشور و وجود سیاستمداران ناکارآمد و رشوه‌خوار، کشور اوضاع نابسامانی داشته و روسیه و انگلیس به فراخور میل خویش دست به غارت ثروت کشور زده و از سران کشور امتیازات مختلف می‌گرفتند. شاعران، به عنوان زبان گویای ملت، قدم در راهی دشوار نهاده و در زمانه‌ای که اختناق و خفقان حاکم بوده، گاه به صورت مستقیم و گاه با استفاده از نماد، نسبت به اوضاع داخلی و حضور بیگانگان در کشور اعتراض کرده و با سلاح شعر به جنگ ظلم و ستم رفته‌اند؛ چنانکه غسان کنفانی می‌گوید: «ادیب در جنگ آزادی با سلاح کلمات به میدان می‌آید.» (محمدعطیه، ۱۹۶۹: ۱۸۲). سید اشرف‌الدین حسینی متخلص به نسیم شمال، همپای سایر شاعران در این راه گام نهاده و نسبت به اوضاع حاکم بر جامعه اعتراض نموده و عاقبت در این راه، به بهانه ابتلا به جنون!!! در بیمارستان بستری شده و با دسیسه‌های پنهانی، زبان وی به خاموشی گرایید. وی در شعر

خویش، گاهی به صورت مستقیم به سران خائن مملکت حمله کرده و آنها را به باد انتقاد گرفته و گاهی با استفاده از نمادهایی مانند گرگ، زاغ و خرس از روسیه و انگلیس یاد کرده است. شاعر در این راه گاهی از نمادهای دینی نیز کمک گرفته است.

۱-۲- ضرورت و هدف پژوهش

شاعر، اشعاری زیبا و نیکو در مورد عشق به وطن و ادب پایداری دارد که تبیین آنها در جهت بیان تعهد شاعر به ملت ایران، ضرورت اصلی در شکل‌گیری این جستار بوده است. هدف از این نوشتار، بهره‌بردن از جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر نسیم شمال و ارائه تصویری دقیق و جامع از حسن وطن‌دوستی شاعر است.

۱-۳- سؤالات و فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر بر آنست که به دو پرسش زیر پاسخ دهد و برای این مهم از کتاب «باغ بهشت» شاعر بهره برده است:

مهمترین مضامین و جلوه‌های پایداری در شعر نسیم شمال کدامند؟

وی چگونه این مضامین را در شعر خویش نمایان ساخته است؟

فرضیه‌های پژوهش نیز عبارتند از: ۱- شاعر در شعر خویش توجه خاصی به وطن داشته است. ۲- وی گاه به صورت مستقیم و گاهی در قالب استفاده از نمادها مطالب را القا نموده است.

۱-۴- پیشینه پژوهش

تاکنون مقاله‌های فراوانی درباره ادبیات پایداری در شعر شاعران مختلف ادبیات فارسی و عربی به رشته تحریر درآمده است؛ اما مقاله‌ای درباره پایداری در شعر نسیم شمال مشاهده نشد. درباره نسیم شمال نیز مقاله‌های نوشته شده است؛ از جمله:

۱- «تصویر جامعه در اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی، نسیم شمال» به قلم افسانه

وارسته‌فر، دلشاد عامری و افسر افشاری نادری در مجله پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب که به

بررسی بازتاب اوضاع و احوال اجتماعی در سه مقوله اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در دیوان نسیم شمال پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که شاعر، وجدان آگاه زمان خود بوده و نابسامانی‌ها، اختلاف طبقاتی، فقر و مشکلات خانوادگی و... را به خوبی در شعر خود منعکس نموده است.

۲- «بازتاب مشروطیت در اشعار نسیم شمال و احمد شوقی» نوشته قاسم صحرائی و علی نظری در شماره هشتم مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی (۱۳۸۶) که نویسندگان آن به بررسی «مشروطه‌خواهی» در شعر دو شاعر معاصر ایرانی و مصری پرداخته‌اند.

۳- «التأثیرات الغربیة و الشرقیة فی أدب الأطفال عند نسیم شمال، گلزار ادبی نمودجاً» به قلم ایناس محمد عبدالعزیز در شماره اول از سال اول مجله إضاءات نقدیة (۱۳۹۰) که به بررسی حکایات عامیانه نسیم شمال پرداخته و اینکه آسانی زبان آن، درک آن را برای کودکان ساده نموده و نیز هدف آن را تعلیمی دانسته که به بالا بردن سطح زبانی کودکان کمک نموده است.

۱-۵- مبانی نظری پژوهش

ادبیات پایداری، واکنش فکری- فرهنگی ملت‌های تحت سلطه است. ملت‌ها با این که از جغرافیا، فرهنگ، منش و آرمان‌های مختلف برخوردارند، اما بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در سراسر دنیا در اغلب موضوعات، جهت‌گیری واحدی را دارد. انسان آزادی‌خواه و وطن‌دوست همواره در مقابل دشمن و زورگویی مقاومت نموده و این امر طبیعی است؛ زیرا انسان به گونه‌ای خلقت شده که هرگز ظلم و ستم را بر نمی‌تابد. «سرشت انسان عدالت‌خواه و آزادی‌طلب بدی را بر نمی‌تابد، از این رو ناسازگاری خود را با بیداد و ناروا، به اشکال مختلفی چون اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری، رویارویی و مقابله نشان می‌دهد.» (سنگری، ۱۳۷۷: ۴۶).

واژه و کلمه، برنده‌ترین سلاح شاعر است که با آن از موجودیت خود، آرمان‌ها و هویت تهدیدشده‌اش دفاع می‌کند. شعر پایداری، ظهور هیجان و خشم علیه غاصبان و عصیان علیه ستم آنهاست؛ با این احساس و هوشیاری عمیق که پذیرش اشغالگران و

مشروعیت بخشیدن به آنها نشانه ذلت و خواری و در مقابل، مقاومت در برابر او و تلاش برای بیرون راندن غاصب و حاکمیت بر سرنوشت خویش، رسالتی انسانی و الهی است. این گونه شعر، غالباً بیانگر دردها و رنج‌های مردم ستمدیده و محروم است که دسیسه متجاوزان و زورگویان سعی نموده با به حاشیه راندن آنها کم‌کم تاریخ و هویت‌شان را از صفحه روزگار و نقشه جغرافیا محو نماید. روشنگری و هدایت مبارزان (ن.ک میرقادری و کیانی، ۱۳۹۰: ۶۱۲)، برانگیختن مردم و بسیج آنها، بیان رشادت کودکان و جوانان و ایجاد هوشیاری قومی و وطنی و دعوت به بیرون راندن اشغالگر و حرکت (ن.ک المسیری، ۲۰۰۷: ۲۲۵) و پویایی که در جوهره این شعر نهفته است به پیروزی کمک مؤثر می‌کند. این است که قدرت و قوت شعر پایداری در ایمان به پیروزی نهایی است. غالی شکری در تعریف ادبیات پایداری، آن را اثری دانسته که با زبانی ادیبانه به مبارزه با زشتی-ها و ستم خارجی یا داخلی می‌پردازد.

«ادبیات پایداری به مجموعه آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازد.» (شکری، ۱۹۷۹: ۱۱-۱۰).

بصیری، ادبیات پایداری را ادبیاتی متعهد و ملتزم و هدفمند دانسته است: «ادب پایداری، شاخه‌ای از ادب متعهد و ملتزم است که محتوای آن در جهت منافع و خواسته‌های یک نظام حاکم مستبد نباشد و با زبانی صریح، بدون تأکید بر نوآوری در زمینه‌های تخیل، بیان شود. بر اساس تعریف، ادب پایداری باید هدفمند و تعلیمی باشد و برای رساندن پیام یا القای موضوعی که مورد نظر شاعر است، نوشته شود و به مخاطبانش می‌آموزد چگونه در برابر نظام‌های سلطه‌گر و مستبد ایستادگی کنند.» (بصیری، ۱۳۷۶: ۲۰).

پایداری را می‌توان یکی از ابعاد وجودی انسان دانست؛ زیرا از همان آغاز زندگی، مبارزه بین انسان و طبیعت برای بقا، حفظ و ادامه زندگی آغاز می‌گردد. این واژه همواره با ظلم‌ستیزی عجین شده و آن را تداعی می‌کند. اگرچه ادبیات پایداری پیشینه‌ای طولانی دارد؛ ولی گسترش ظلم و بی‌عدالتی و تقویت انگیزه دفاع از حق در شکل‌گیری و احیای

آن نقش داشته است؛ سیما داد نخستین نموده‌های ادب پایداری را در اساطیر و حماسه‌های ادبی دانسته است «نخستین نموده‌های مقاومت انسان در ادبیات را می‌توان در اسطوره‌ها و حماسه‌های ادبی دید چنانکه در ادبیات یونان باستان، مفهوم اسطوره با جنگ خدایان با قهرمانان یا مصائب و سختی‌هایی که در برابر اقوام گذشته است، گره خورده است.» (داد، ۱۳۸۳: ۳۴).

ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم مردم، دعوت به مبارزه، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها، توصیف و ستایش جان‌باختگان و شهیدان، القای امید به آینده و پیروزی موعود، ستایش آزادی و آزادگی، ستایش سرزمین مادری و طرح نمادهای اسطوره‌ای ملی و تاریخی پیام این نوع ادبیات می‌باشد. جانمایه این آثار، ستیز با بیداد داخلی یا تجاوز خارجی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۶). این نوع ادبیات، در واقع، فریاد است که از عمق جان ادیب برخاسته و در پهنای جهان هستی طنین‌انداز می‌گردد و با فریاد بی‌صدای خود، ندای خاموش ملت‌های ستمدیده را به گوش جهانیان می‌رساند. این ادبیات در برابر استعمارگران و ظالمانی که هدفی جز به یغما بردن تلاش‌های ملت‌های مظلوم و ستمدیده برای برافراشتن کاخ‌های ظلم و ستم خود ندارند، به پاخاسته و با تمام توان برای نابودی اهداف استعماری آنان تلاش می‌کند.

عوامل و زمینه‌های فراوانی در شکل‌گیری ادبیات پایداری نقش دارند که می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره نمود

الف: اختناق و استبداد داخلی و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی، ب: استعمار و استثمار قدیم و جدید، ج: غصب قدرت، سرزمین و سرمایه‌های ملی، د: تجاوز به ارزش‌های فردی، دینی، اجتماعی، تاریخی و ملی، ه: قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی پایگاه‌های قدرت، و: جریان‌های دینی و غیردینی و مکتب‌های فکری چون مارکسیسم و لیبرالیسم و... (خضر، ۱۹۶۸: ۴۵).

۱-۶- نسیم شمال

سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال) مردمی‌ترین و محبوب‌ترین سراینده دوران مشروطیت بود. در قزوین به دنیا آمد و دوران کودکی را در فقر و محرومیت گذراند. چند سالی در نجف و کربلا سکونت یافت. در ۲۲ سالگی راهی تبریز شد و در آنجا به فراگیری صرف و نحو، منطق، نجوم و جغرافیا مشغول شد. سپس به رشت رفت و فعالیت‌های مطبوعاتی‌اش را در آنجا آغاز کرد و به همین سبب به «گیلانی» شهرت یافت. پیش از استبداد صغیر، روزنامه ادبی-فکاهی «نسیم شمال» را در رشت منتشر کرد. «انتشار روزنامه نسیم شمال تا انحلال مجلس ادامه یافت و پس از آن توقیف شد.» (فخرائی، ۱۳۵۶: ۱۲۵) و «در سال ۱۳۳۷ قمری انتشار نسیم شمال از سر گرفته شد و از سال ۱۳۳۳ قمری در تهران منتشر شد.» (محمدخانی، ۱۳۸۴: ۴۵ و ۴۴). او با چاپ اشعار سیاسی-فکاهی خود در آن روزنامه، به دفاع از استقلال وطن و مقابله با استبداد، وطن‌فروشی، جهل، ریاکاری و بی‌فرهنگی همت گماشت و بدین گونه سال‌ها، عشق و علاقه مردم آزادیخواه را به خود برانگیخت. سید اشرف‌الدین در سال ۱۳۰۶ شمسی به دلیل (یا به بهانه) ابتلا به جنون روانه بیمارستان شد، چند سالی را در چنبره بیماری و پریشانی گذراند و سرانجام در سال ۱۳۱۳ شمسی درگذشت. (روزبه، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

۱-۷- باغ بهشت

باغ بهشت، مجموعه‌ای از اشعار طنزآمیز سیاسی، اجتماعی، انتقادی و دینی نسیم شمال است که اشعار آن با زبانی روشن و ترکیبات و تصویرهای دل‌پسند و قابل فهم برای عموم نظم یافته است؛ پدیده‌های سیاسی در کنار مسائل اجتماعی و عادات و رسوم، نقد شده و مورد طعن و طرد شاعر قرار گرفته است. شاعر، مشروطه‌خواهی آزاده است که نسبت به دروغ و ریا و ظلم و استبداد حساسیت دارد، و مناسبات شهری و رفتارهای عمومی را پایه‌گذار جهل و حماقت و خودکامگی می‌داند و از تجدد و نوگرایی و عقلانیت و علم دفاع می‌کند. قلم تند و تیز و شعر عاطفی-سیاسی نسیم شمال، انعکاس‌دهنده پلشتی‌ها،

سختی‌ها، رنج‌ها و نابکاری‌های دوران قاجاریه و تصویرگر بدبختی‌های مردم فقیر و عادی کوچه و بازار آن عصر است.

۲- بحث

شعر پایداری، حاصل تعاون مردم و شاعران و میراث مشترک و پایداری مردمی است که شاعر در این نوع از ادبیات، گاه به شکل مستقیم و گاه در قالب نقل و حکایت و اسطوره و نمادها به بیان اعتراض خویش می‌پردازد. نسیم شمال، شاعر عصر مشروطه، یکی از شاعرانی است که اکثراً به شکل مستقیم، بن‌مایه‌های پایداری را در شعر خویش نمایان ساخته است.

۲-۱- وطن‌دوستی و میهن‌پرستی

یکی از زمینه‌های تفکر در شعر پایداری، وطن‌دوستی و عشق و علاقه به میهن است. سرزمین برای شاعر، همه چیز است و وی، وظیفه خویش می‌داند که با زبان خویش به دفاع از آن پرداخته و علاقه وافرش را نمایان سازد. نسیم شمال در ابیات زیر، ناراحتی خویش را از ابتلای وطن به غم ابراز داشته و در پاره اول شعرش، وطن را به سان یوسف (ع) دانسته که در دهان گرگ اجل، بیکس و تنها مانده است:

«ای غرقه در هزار غم و ابتلا، وطن ای در دهان گرگ اجل مبتلا وطن
ای یوسف عزیز دیار بلا وطن قربانیان تو همه گلگون قبا وطن

بی‌کس وطن غریب وطن بینوا وطن». (حسینی، ۱۳۶۵: ۴۶)

مادر در شعر پایداری، رمزی برای وطن است که مهمترین چیز در زندگی هر انسانی است. شاعر در شعر خود غم خویشتن را به جهت غارت شدن اموال و سرمایه‌های کشور بیان داشته و نوجوانان کشور را به این واسطه ماتم‌زده می‌داند و بر بی‌کسی و غربت وطن ناله می‌کند:

«عریان ز چیست پیکرت ای مادر عزیز کو لعل و گنج گوهرت ای مادر عزیز
شد خاک تیره بسترت ای مادر عزیز نوباوگان تو زغمت در عزا وطن

بی کس وطن غریب وطن بینوا وطن». (همان: ۴۷-۴۶)

نسیم شمال، حزن و اندوه خویش را از احوال وطن بیان کرده و افسوس خود را به خاطر تغییراتی که در کشور کاووس کیانی، که مظهر قدرت بوده، بیان می‌دارد و در ادامه از رمز سود برده زیرا «نمادگرایی بارزترین مصداق واکنش در برابر حاکمیت فضای استبدادی و نامشروع است.» (زارع، ۱۳۸۵: ۳۴۵). شاعر معتقد است که جای بلبل، زاغ و زغن تکیه زده‌اند که بلبل «در سراسر جهان به خاطر زیبایی آوازش مشهور است. این پرنده که تمام شاعران آن را رامشگر عشق می‌خوانند، تمامی احساساتی را جان می‌بخشد که در ارتباط نزدیک با عشق و مرگ است.» (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۰۴ و ۱۰۳) و «زاغ، اغلب به عنوان صفت آدم پرحرف و دزد به کار می‌رود که این دو صفت، دقیقاً از رفتار این پرنده ناشی می‌شود. زاغ در فرهنگ مردمی معمولاً نمادی شوم است و دیدن این پرنده علامت نحوست است.» (همان: ج ۳: ۴۲۸ و ۴۲۷).

«ای دریغا دست خوش شد کشور کاووس کی آه و واویلا که عمر مملکت گردید طی
آه و واویلا که عمر مملکت گردید طی جای بلبل تکیه زد زاغ و زغن خون گریه کن

بی کس وطن غریب وطن بینوا وطن» (حسینی، ۱۳۶۵: ۱۶۵)

در ابیات دیگری نسیم به شرایط کشور اشاره نموده که دست بیگانگان به سوی آن دراز شده و هر تکه‌ای از آن، نصیب پلنگ و گراز شده است. پلنگ «نماد غرور است. از سوی دیگر پلنگ، حیوان شکارگر است که به طرق مختلف در ارتباط با غرور قرار می‌گیرد؛ از این رو می‌توان آن را کاملاً نماد طبقه سلطنتی و جنگجو به شمار آورد و آن را از وجه مهاجم آن در نظر گرفت. پلنگ نشانه سبعت، و در عین حال، مهارت و قدرت است.» (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۳۶) و گراز «نماد شیطان است، چه به دلیل فضله-خواری و چربی‌اش، چه به خاطر سرکشی و حرونی‌اش که یادآور هیجان و جنبش هوس است، و چه به دلیل ویرانگری‌اش در مزارع، باغ‌های میوه و تاکستان‌ها.» (همان: ج ۴: ۶۹۵).

«مادر ببین عروس وطن بی‌جهاز شد آخربه طعنه دست اجانب دراز شد
هر شقه‌ات نصیب پلنگ و گراز شد ای خاک تو جواهر لعل و طلا وطن

بی کس وطن غریب وطن بینوا وطن» (حسینی، ۱۳۶: ۴۷)

یکی از شاخص ترین مضامین شعر نسیم شمال که نمود بارزی از حس وطن دوستی وی را نمایان ساخته است، ستایش آزادی خواهان و کسانی است که در راه آزادی دست به مبارزه زده اند. نسیم شمال در شعر خویش به پایداری و رادمردی مردم تبریز اشاره نموده و آنها را نابودکننده ریشه ظلم و ستم معرفی کرده و در حقشان دعا می کند:

«ملت تبریز خدا یارتان

دست خدایی کمک کارتان

نام شما در همه بحر و بر گشت به مردی و هنر مشتهر

درج نمودند به الواح زر در همه جا نقشه و آثارتان

ملت تبریز خدا یارتان

ریشه ظلم ز شما کنده شد نام شما باقی و پاینده شد

دین محمد ز شما زنده شد احمد مختار نگهدارتان

ملت تبریز خدا یارتان» (همان: ۱۷۷)

وی به پایداری مردم اصفهان نیز اشاره نموده و آن را الگویی برای شهرهای دیگر دانسته است:

«اصفهان گشته ای مأوای شیران آفرین

کرده ای بنیاد استبداد ویران آفرین

داده ای سرمشق بر شیراز و کرمان آفرین

آمده در زیر حکمت یزد و کاشان آفرین

آفرین بر همت اهل صفاهان آفرین». (همان: ۱۷۹)

۲-۲- امید به آینده روشن

شاعر، در پس ابرهای تیره یأس و سرخوردگی، که آسمان چشمان مردم تحت ستم و جور را فرا گرفته است، به روشنایی افق فردا نظر دارد و با نوید دادن به آینده روشن، بارقه-

های امید را در دل‌ها روشن نگه می‌دارد. نسیم شمال، در افتتاح مجلس سوم شعبان ۱۳۳۲ قمری که پس از سال‌ها تلاش و مبارزه فراوان حاصل شده است، با بهره‌گیری از صنعت ایهام در کلمهٔ نسیم، که تخلص شاعر بوده و نیز نمادی برای امید و آرزو است، این امید را در انسان زنده می‌کند:

«می‌شود دنیا به کام اهل ایران ای نسیم می‌نماید شادکامی هر مسلمان ای نسیم
آفتاب معرفت گردد درخشان ای نسیم نور باران می‌شود این شهر تهران ای نسیم»

(حسینی، ۱۳۶۵: ۲)

در ابیات دیگری شاعر امید دارد که اوضاع شهرهای ایران بهبود یابد و افتتاح مجلس را به مردم تبریک گفته است:

«دارم امید ایران شود خوب قزوین شود خوب زنجان شود خوب
کرمان و یزد و کاشان شود خوب تبریز و رشت و تهران شود خوب

بهر خراسان مجلس مبارک». (همان: ۹)

شاعر با بهره‌گیری و تضمین از شعر سایر شاعران به شیوهٔ دیگری می‌کوشد مردم را به پیروزی نهایی حق بر باطل امیدوار سازد:

«هرچند که ما ذلیل گشتیم در غصّه و غم علیل گشتیم
بی‌صاحب و بی‌وکیل گشتیم در نومیدی بسی امید است

پایان شب سیه سفید است». (همان: ۱۵۲)

۲-۳- طرح نمادهای دینی

بن‌مایهٔ دیگری که در شعر پایداری به کرات دیده می‌شود، بهره‌گیری از نمادهای دینی و مذهبی است که اعتقاد والای شاعر به آنان را می‌رساند. نسیم شمال با استفاده از فضایی نو و بدیع، این شخصیت‌ها را در شعر خویش به تصویر می‌کشد. شاعر در ابیاتی از شعر خویش به اوضاع آشفتهٔ مملکت اشاره نموده و در ادامه از پیامبر(ص) طلب کمک می‌کند

«رشته‌ها شد پاره یکسر یا رسول الله مدد امتت بیچاره یکسر یا رسول الله مدد

ما شدیم آواره یکسر یا رسول الله مدد گشت وقت دستگیری ای دلیل رهنما

احمد و محمود ابوالقاسم محمد مصطفی». (حسینی، ۱۳۶۵: ۷)

شاعران شیعه با توجه به اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) به عنوان منجی عالم بشریت، در اشعار خویش همواره به ذات مقدس ایشان تبرک جستند. نسیم به واسطه ایمان به منجی و رهابخش بودن ایشان، از امام (عج) می‌طلبد که در ظهورشان شتاب کرده و ملت مسلمان را نجات بخشند:

«شاهها به شیعیان نظری از ثواب کن
ما را ز فیض نظر خود کامیاب کن
وقت عدالت آمده پا در رکاب کن
سرچشمه را ز آب وضو گلاب کن
اسلام را کمک به نص کتاب کن
یا صاحب الزمان به ظهورت شتاب کن»
(همان: ۶۴)

شاعر به تغییر اوضاع امید بسته و اعتقاد خویش به ظهور حضرت (عج) را نمایان ساخته است. شاعر در این ابیات با بهره‌گیری از بیتی از حافظ شیرازی، زدوده شدن ایام غم را مژده می‌دهد:

«جهان سیاه ز ظلم و ستم نخواهد ماند
به روی برف، نشان قدم نخواهد ماند
وجود حجت حق در عدم نخواهد ماند
رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند»
چنین نماند و چنین نیز نخواهد ماند». (همان: ۱۲۰)

شاعر بار دیگر غم و اندوه خویش را بواسطه ظلم و ستمی که بر خلائق روا می‌شود، بیان ساخته و به ضعف مذهب و قحطی در کشور اشاره نموده است. نسیم بار دیگر از امام (عج) درخواست فرج عاجل دارد:

«یا رب چه محشری است در این آخرالزمان
شد قامت جمیع خلائق ز غم کمان
می‌بارد از چهار طرف غم ز آسمان
یک سمت ضعف مذهب و یک سمت قحط نان

عجل علی ظهور یا صاحب الزمان

مولا لك الفداء لك الغوث الأمان». (همان: ۱۵۷)

۲-۴-اعتراض

۲-۴-۱-اعتراض به بیگانگان

در عصر مشروطه با توجه به زوال قدرت شاهان، بیگانگان از فرصت استفاده نموده و تحت عناوین مختلف به غارت و چپاول ثروت ملی ایران پرداختند. در این میان، بیگانگان به عنوان مستشار در امور فرهنگی، نظامی، اقتصادی و... وارد کشور شدند که این امر موجی از اعتراض را در میان شاعران مبارز و اهل قلم برانگیخت. نسیم شمال نیز به مانند دیگر شاعران وطن دوست در شعر خویش به این مسئله اشاره نموده است.

روسیه و انگلیس که در آن زمان از نیروی نظامی کافی برخوردار بوده و به غارت ثروت ملت‌های مظلوم می‌پرداختند، توجه خویش را به ایران که منبع غنی بود، معطوف ساخته بودند. شاعران در شرایط خفقان آن عصر چاره‌ای جز پناه بردن به رمز و نماد نداشتند. نسیم در ابیات زیر، به خرس که نمادی برای روسیه می‌باشد اشاره نموده است «خرس، علامت یا نماد طبقه جنگجو است.» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸، ج ۳: ۷۵) و در ادامه به باغ به عنوان نماد ایران اشاره کرده که اجنبی (انگلیس) به آن وارد گشته است «باغ نماد بهشت زمینی، مرکز کیهان، بهشت آسمانی و نشانه آن مرحله‌یی از مراحل معنوی است که با طبقات بهشت ارتباط دارد.» (همان: ج ۲: ۴۱). بلبل «در سراسر جهان به خاطر زیبایی آوازش مشهور است. این پرنده که تمام شاعران آن را رامشگر عشق می‌خوانند، تمامی احساساتی را جان می‌بخشد که در ارتباط نزدیک با عشق و مرگ است.» (همان: ج ۲: ۱۰۴ و ۱۰۳) و «در واقع در تعبیر روانشناختی کلاغ در رؤیا، آن را به عنوان علامت نحوست، و در ارتباط با ترس از نکبت و بدبختی به شمار آورده‌اند. کلاغ، پرنده سیاه رمانتیک‌ها، بر بالای میدان جنگ پرواز می‌کند و از گوشت اجساد سربازان می‌خورد.» (همان: ج ۴: ۵۸۱)

«جای بلبل مسکین در چمن کلاغ آمد جای باده شیرین زهر در ایاغ آمد
بهر خوردن انگور خرس تر دماغ آمد باغبان بیابن‌نگر اجنبی به باغ آمد»

(حسینی، ۱۳۶۵: ۷۳)

۲-۴-۲- اعتراض به نابسامانی‌ها

یکی دیگر از مظاهر ادبیات پایداری، اعتراض به نابسامانی و آشفتگی جامعه است. شاعر به عنوان زبان گویای ملت به بیان این کاستی‌ها در جامعه پرداخته است. نسیم شمال در شعر خویش که به مناسبت عید نوروز و سال نو سروده است، اعتراض خویش را به فقر موجود و نابسامانی‌هایی که روی داده است، فریاد می‌زند:

«عید آمد و ما قبا نداریم	با کهنه قبا صفا نداریم
گردید لباس پاره پاره	در پیکر خود عبا نداریم
جز سنگ و کلوخ و آجر و خشت	ما بالش و متکان نداریم
آجیل و لباس و پول خوب است	اما چه کنم که ما نداریم
خوب است بساط ساز و آواز	افسوس که ما صدا نداریم»

(حسینی، ۱۳۶۵: ۳۴)

شاعر در ابیات زیر، بار دیگر اعتراض خویش را بیان داشته و به غلغله در کشور جمشید اشاره نموده و در ادامه از شعر مشهور محتشم کاشانی در منقبت امام حسین (ع) بهره برده و به گونه‌ای آن را تضمین کرده است:

«باز این چه غلغله است که در کشور جم است	«قحط الرجال» فقر و فنا هر دو با هم است
اسباب تیره‌بختی ملت فراهم است	باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است». (همان: ۱۵۹)

وی در ادامه به عوض شدن پیاپی وزرا اعتراض می‌کند و دست خویش را به عنوان نماینده ملت کوتاه می‌بیند که نه راه پیش دارد و نه پس! و نه کسی به داد او می‌رسد:

«یاران چه کنم که کس ندارم	بلیل شده‌ام قفس ندارم
خواهم بگریزم از زمانه	اصلا ره پیش و پس ندارم
بازار وطن شده پراز درد	یک شحنه و یک عسس ندارم
هر روز شود عوض وزیری	در محکمه دادرس ندارم»

(حسینی، ۱۳۶۵: ۳۶)

۲-۴-۳- اعتراض به اختناق و خفقان حاکم بر وطن

در نظام‌های مستبد و خودکامه و بیدادگر، خفه نمودن فریادها و اعتراض‌ها در گلو و نیز جلوگیری از آزادی تفکر و عمل یک قانون نانوشته است. نسیم شمال در ابیات فراوانی این اختناق موجود حاکم بر جامعه را به تصویر کشیده است

در ابیات زیر، وی از نبود آزادی در جامعه سخن گفته است:

«دست مزن، چشم بیستم دو دست راه مرو چشم دو پایم شکست
حرف مزن، قطع نمودم سخن نطق مکن چشم بیستم دهن»
(همان: ۲۱)

وی ناراحتی خویش را از اوضاع آشفته مملکت بیان نموده و در ادامه بر اختناق و خفقان در نوشتن اشاره نموده و وطن را «یوسف گلچهر در بازار وحشت» دانسته است که اسیر چنگ گرگان است و با استفاده از ردیف «نمی‌دانم چه بنویسم» این خفقان را بیشتر به تصویر کشیده است که بیان ردیف به صورت پرسشی، خود ذهن مخاطب را درگیر می‌کند و نشانگر اهمیّت موضوع است:

«از بخت خویش نالانم نمی‌دانم چه بنویسم از این اوضاع حیرانم نمی‌دانم چه بنویسم
قلم در دست بگرفتم نویسم از وطن شرحی مثال بید لرزانم نمی‌دانم چه بنویسم
برای یوسف گلچهر در بازار پر وحشت اسیر چنگ گرگانم نمی‌دانم چه بنویسم»
(حسینی، ۱۳۶۵: ۹۶)

نسیم از نماد «لولو» بهره برده و از افراد می‌خواهد که از اوضاع شکایت نکنند و نیز یادی از پادشاهان پرافتخار گذشته نکنند و سخنی در انتقاد از بزرگان بر زبان جاری نساخته و تمجیدی از وطن نکنند:

«بچه جون داد مکن الولو میاد داد و فریاد مکن الولو میاد
خفه شو الولو میاد می‌بردت در لب آب روان می‌دردت
لقمه لقمه سر پا می‌خوردت از وطن یاد مکن الولو میاد

بچه جون داد مکن الولو میاد

از بزرگان همه تنقید مکن یاد از رسم و جمشید مکن
از وطن این همه تمجید مکن وصف اجداد مکن الولو میاد
بچه جون داد مکن الولو میاد». (همان: ۱۰۷ و ۱۰۶)

شاعر در ابیات دیگری از قلم که نمادی برای آزادی است، می‌خواهد که به سان
حضرت یوسف (ع) در کنج زندان و به سان یعقوب در بیت‌الاحزان، صبر کند و چیزی
نگوید زیرا در ایران آزادی نیست:

«ای قلم تا می‌توانی در قلمدان صبر کن یوسف آسا سال‌ها در کنج زندان صبر کن
همچو یعقوب حزین در بیت‌الاحزان صبر کن کور شو بیرون نیا از شهر کنعان ای قلم
نیستی آزاد در ایران ویران ای قلم». (همان: ۱۶۱)

۲-۵- دعوت به مبارزه و بیداری از خواب غفلت

ادب پایداری، ادبی بی‌پروا و ستیزه‌جوست که دعوت به قیام، ایستادگی و ایثار می‌کند
که گاه به صورت فریاد اعتراض است و گاه در پس چهره نبرد مسلحانه نهفته است. شاعر
در شعر زیر از جوانان می‌خواهد که به داد وطن برسند چرا که دشمن آن را از چهار طرف
احاطه کرده است و از آنان می‌خواهد که به سوی جنگ روانه گردند:

«ای جوانان وطن نونهالان وطن می‌رود جان وطن
موقع دادرسی است
روز فریادرسی است
دشمن از چهار طرف گرد ایران زده صف ای پسرهای خلف
موقع دادرسی است
روز فریادرسی است
خیز ای تازه جوان شو سوی جنگ روان تا به کی این خفقان
موقع دادرسی است
روز فریادرسی است». (حسینی، ۱۳۶۵: ۹۳-۹۲)

نسیم شمال ضمن تحریک و تهییج جوانان وطن به جنگ، از آنان می‌خواهد که از خواب غفلت برخیزند و به سوی جنگ بشتابند زیرا دشمن بیگانه وارد کشور شده و زندگی ذلت‌بار را ننگ می‌داند:

«ای جوانان ایوم یوم همت است ای هواخواهان دین امروز روز غیرت
می‌رود ناموس آخر این چه خواب غفلت دشمن بیگانه آمد بر سر بالین ما
ای دریغا می‌رود هم مملکت هم دین ما
ای جوانان همتی این موقع جنگست جنگ زندگی با این مذلت بهر ما ننگ است
عرصه بر ما اهل ایران بعد از این تنگست زانکه کافر می‌دهد هم غل و تلقین ما
ای دریغا می‌رود هم مملکت هم دین ما». (همان: ۱۵۱)

شاعران به عنوان افراد آگاه جامعه و نیز زبان گویای آن، در هر عصری کوشیده‌اند که با هشدار دادن به مردم آنان را نسبت به امور اطراف خویش آگاهی بخشند. نسیم شمال که روزنامه‌نگار توانایی نیز بوده است، در ابیات مختلفی سعی داشته است مردم را از غفلت رهایی بخشد. وی در ابیات زیر، از مردم می‌خواهد که نسبت به سرنوشت خویش بی‌توجه نباشند و غیرت بورزند:

«ملت ایران ز جا برخیزد ایران از مجلس و مشروطه و تعیین سلطان شماس
رشت و تبریز و صفاهان و خراسان از پس شما را غیرتی سرشار کی خواهد»
(همان: ۱۶۸)

نسیم در ابیات دیگری مردم را خالی از درد وطن دانسته که اکثر آنها ستایشگران هستند و زمانه را پر از مفسد می‌داند:

«درد وطن نیست در این خلق دون اماتری اکثرهم حامدون
خیر قرون آمده شر القرون قدملا الأرض من المفسدان
هیئات هیئات لما توعدون». (همان: ۲۵۶)

۲-۶- توصیف سیمای خائنان و ستمگران داخلی

در کنار سایر مؤلفه‌های ادبیات پایداری که غالباً در دفاع از وطن در برابر بیگانگان است، نوع دیگری از پایداری در برابر ظالمان و ستمگران داخلی نیز وجود دارد که نمونه‌هایی از آن را در شعر نسیم شمال می‌بینیم. وی در شعر خویش از حرف بدون عمل وزیران سخن گفته و وجود قشون را برای وطن لازم دانسته است. وی در ادامه به نبود بودجه و هزینه کافی برای لشکریان اشاره نموده است:

<p>نوشتم به عنوان ضرب‌المثل نگردد درست از وکیل و وزیر نه هم گردد آباد از بهمدان کی از هیچ آباد گردد وطن قشون جلالت نمون لازم است قشون راحتی را فراهم کند فشنگ و تفنگ و کمر لازم است» (حسینی، ۱۳۶۵: ۱۷)</p>	<p>«من این شعر شیرین همچون عسل غرض کار ملت در این گیر و دار وطن نه منظم شود از فلان کی از حرف آزاد گردد وطن برای وطن هم قشون لازم است قشون، مملکت را منظم کند برای قشون سیم و زر لازم است</p>
--	---

وی در ابیات دیگری به افراد مستبد و خیانتکاری اشاره نموده است که در ظاهر آدم، اما در باطن خونخوارند. وی این افراد مستبد را گاهی ملبس به لباس علما، گاه پادشاهان و گاهی وزیران دانسته و بدترین آنان را وکیلان می‌داند:

<p>مستبد فطرت و بدطینت و غدارانند رفت بر باد ز این قوم دغل عزت ما گه به جلد امرا و وزرا جلوه کند می‌زنند تیشه به امنیت و حریت ما» (همان: ۱۶۴)</p>	<p>«باز هستند گروهی که ستمکارانند ظاهراً آدم و باطن همه خونخوارانند مستبد گه به لباس علما جلوه کند آه از آن دم که به شکل و کلا جلوه کند</p>
---	---

۳- نتیجه‌گیری

شاعران و ادیبان متعهد همواره از ادبیات به عنوان ابزاری برای بیان احساسات و عواطف خویش بهره برده‌اند. آنان همیشه در تمام وقایع و صحنه‌ها دوشادوش ملت بوده و به عنوان زبان گویای آنان، کاستی‌ها و کژی‌ها را بیان نموده‌اند. نسیم شمال یکی از این شاعران توانمند و متعهد است که در کنار سایر شاعران معاصر خویش به دفاع از مام وطن پرداخته و اعتراض خویش را به ظلم و ستم داخلی و نیز هجوم بیگانگان بیان داشته است. وی گاهی به صورت مستقیم به اعتراض نسبت به اوضاع کشور پرداخته و در پاره‌ای دیگر از اشعارش از نماد و رمز برای بیان اهداف پایداری خویش بهره جسته است. شاعر علاقه فراوانی به وطن داشته و آن را به سان یوسف اسیر چنگال گرگان دانسته و غم خود را از غارت اموال و سرمایه‌های آن بیان نموده است؛ وی کشور را به سان مادری دانسته که اکنون پیکرش عریان شده و ثروت‌های ملی آن توسط روسیه و انگلیس و نیز سیاستمداران بی‌کفایت و رشوه‌خوار به غارت رفته است. نسیم کوشیده است که بارقه‌های امید به آینده روشن را در دل مردم زنده نگه دارد و در این راه از شخصیت‌هایی مانند پیامبر اکرم (ص) و منجی بشریت، حضرت مهدی (عج)، یاری طلبیده است. وی بارها به بیگانگان اعتراض نموده و از آنان با عناوینی مانند خرس، گراز، پلنگ و... یاد کرده است. نسیم، اعتراض خود را به اوضاع نابسامان و خفقانی که درباره نویسندگان و شاعران اعمال می‌شود، بیان داشته و سعی در تحریک و تهییج جوانان وطن‌دوست به مبارزه دعوت داشته است.

منابع

الف: کتاب‌ها

- ۱- اسماعیل، عزالدین. (۱۹۶۳). *التفسیر النفسی للأدب*. قاهره: دارالمعارف.
- ۲- حسینی، سید اشرف‌الدین. (۱۳۶۵). *باغ بهشت*. تهران: مطبوعاتی حسینی.
- ۳- خضر، عباس. (۱۹۶۸). *أدب المقاومة*. قاهره: دارالکتاب العربی.
- ۴- داد، سیما. (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.

- ۵- روزبه، محمدرضا. (۱۳۸۱)، **ادبیات معاصر ایران (شعر)**. تهران: روزگار.
- ۶- سنگری، محمدرضا. (۱۳۷۷). **ادبیات پایداری**، نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس)، ش ۴، س ۳، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- ۷- شکر، غالی. (۱۹۷۹)، **أدب المقاومة**. بیروت: دارالآفاق الجديدة.
- ۸- شوالیه، ژان و دیگران. (۱۳۸۸). **فرهنگ نمادها و اساطیر**. ترجمه سودابه فضایی. چاپ سوم. تهران: انتشارات جیحون.
- ۹- فخرائی، ابراهیم. (۱۳۵۶). **گیلان در جنبش مشروطیت**. تهران: انتشارات جاویدان.
- ۱۰- محمدخانی، علی اصغر. (۱۳۸۴)، **شاعر مردم (یادنامه نسیم شمال)**. تهران: انتشارات سخن.
- ۱۱- المسیری، عبدالوهاب. (۲۰۰۷). **دراسات فی الشعر**. قاهره: مكتبة الشروق الدولية.
- ۱۲- وهبه، مجدی. (۱۹۷۴). **معجم مصطلحات الأدب**، بیروت: دارالقلم.

ب: مقاله‌ها

- ۱- محمد عطیه، احمد (۱۹۶۲)، «**فی الثورة الفلسطينية و ادب غسان كنفانی**». مجله الآداب، شماره ۳، صص ۸۵-۸۲.
- ۲- میرقادر، سیدفضل‌الله و حسین کیانی. (۱۳۹۰). «**کرامت نفس در آینه شعر شهید علی فوده شاعر پایداری فلسطین**». نشریه ادبیات پایداری. دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال دوم، شماره چهارم. صص ۶۴۳-۶۱۱.

ج: پایان‌نامه‌ها

- ۱- بصیری، محمدصادق. (۱۳۷۶). **سیر تحلیلی شعر پایداری در ادبیات فارسی از مشروطه تا ۱۳۲۰ش**. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

۲- زارع، غلامعلی. (۱۳۸۵)، **سیر تحوّل درون‌مایه‌های اجتماعی در شعر**

معاصر ایران. پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تربیت مدرس.

Archive of SID